

# اتلاف سرمایه

نویسنده: مادلین آلبرایت\*  
مترجم: مهري ملکان  
منبع: واشنگتن پست

آمریکا در این باره سخنی نگفته است چنین به نظر می رسد که آن راهبرد به چین متکی شده است تا کره شمالی را به نحو مؤثری تحت فشار قرار دهد. اتکای محض به چین؟ همان گونه که گفتم، زمانه ی نگران کننده ای است.

به طور کلی، چشم انداز جلوگیری از رواج سیستم های تسلیحاتی متزلزل کننده چنان رضایت بخش نیست. دولت آمریکا که آشکارا در مقابل پیمان ها و کنترل تسلیحاتی حساسیت نشان می دهد، هیچ تلاشی در جهت تقویت و تحکیم خویشنداری در تولید سلاح به عنوان یک ضابطه ی اخلاقی هنجاریش به خرج نداده است، ضابطه ای که همه ی کشورها به پیروی از آن علاقه مند باشند. در عوض، این دولت تصمیم گرفته است که در درجه ی اول از طریق ابزارها و تهدیدهای نظامی با تکثیر هسته ای به پیکار برخیزد. آیا چنین پیکاری از این طریق کافی است؟

دریاسالار لوئل جاکوبی، رئیس آژانس اطلاعاتی امنیتی دفاعی کشور، اخیراً شهادت داد که «اتحادیه های جدیدی سرگرم روی هم انباشتن و یک کاسه کردن منابع اطلاعاتی خود هستند تا از این طریق «برتری نظامی آمریکا را مختل یا با مانع روبرو سازند». روند جهانی شدن فناوری و منابع ضروری برای تولید سلاح های پیشرفته را بیش از گذشته در دسترس کشورها قرار داده است. جاکوبی هشدار می دهد: «حدود ۲۵ کشور دارای سلاح های کشتار جمعی بوده یا جست و جو برای دستیابی به آنها یا اجرای برنامه های موشکی را فعالانه پیگیری می کنند. طی دهه ی آینده، خطرانی که مصالح آمریکا و همپیمانانش را تهدید می کند افزایش خواهد یافت.»

رئیس جمهور آمریکا اوایل ماه جاری هنگامی که در آفریقا به سر می برد سطح انتظارات را در مورد اینکه ایالات متحده به تثبیت اوضاع لیبیا کمک کند بالا برد؛ رسالتی شریف که

واگذار کردن اختیاراتی عمده، کمک های قابل ملاحظه ای دریافت کنیم. واگذاری اختیارات کاری است که دولت آمریکا از انجام دادن آن نفرت دارد. در عین حال، اعتبار آمریکا به سبب قصور ورزیدن در زمینه ی یافتن سلاح های کشتار جمعی و به دلیل گنجاندن اطلاعات مشکوک در متن سخنرانی سالانه ی رسمی رئیس جمهور آمریکا، دچار تزلزل شده است.

در بین سایر امور، فرض بر این بود که جنگ در عراق از بروز خطرهای ناشی از اقدام های تروریست های القاعده بکاهد و پیشرفت در مسیر صلح در خاورمیانه را مجدداً به حرکت درآورد.

گذشت زمان خواهد گفت که آیا هدف نخست تأمین گردیده است یا نه؛ اما گزارش هایی درباره ی یورش تازه از جانب اعضای جدید القاعده موجب دلگرمی نیست. در مورد هدف دوم، یعنی استقرار صلح در خاورمیانه، باید گفت که محمود عباس، نخست وزیر فلسطین، به راستی در مذاکرات پیشرفتی حاصل کرده است؛ در حالی که یاسر عرفات ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین را همچنان در دست دارد. با وجود استقبالی که از نظر لفظی به عمل آمد و به تدریج شور و التهاب آن فروکش کرد و نیز با وجود دیدارهای قریب الوقوع رهبران اسرائیلی و فلسطینی از واشنگتن «نقشه ی راه» خاورمیانه هنوز در مذاکرات مورد بحث قرار نگرفته و جزئیات آن مورد بازبینی واقع نشده است.

در خاور دور، کره ای های شمالی احیاناً در حال تولید سلاح های هسته ای هستند و یا شاید فهم به این کار اشتغال ندارند. البته، ما واقعیت را نمی دانیم. تا پایان سال، این امکان وجود دارد که آنان بالغ بر ۶ بمب هسته ای داشته باشند. اگر دولت آمریکا راهبردی برای نشان دادن واکنش دارد خود دولت



اکنون، وقت نامناسبی برای نگرانی نیست. ده ها هزار تن از افراد ارتش آمریکا، احتمالاً سال های سال، در عراق به سر خواهند برد؛ در حالی که اطراف آنها عراقی های مسلح حضور خواهند داشت. دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، می گوید که مسأله ی عراق یک باتلاق نیست. دعا می کنم که حق با او باشد. اما مسائلی عینی که در مقابل پل برمر، حاکم با استعداد آمریکایی در عراق، قرار گرفته است و گریبانگیر سربازان آمریکایی نیز شده است، وحشت آور است. این سربازان سعی دارند بدون شیوه ی مشخصی جهت مجزا ساختن دوستان از دشمنان به حفظ نظم مبادرت کنند.

اگر جامعه ی بین الملل کمک های بیشتری به ما می کرد، این اقدام آن جامعه بسیار مفید واقع می شد؛ اما انصافاً جنگ یک عملیات انگلیسی آمریکایی بود. بعید است که ما بدون

**دونالد رامسفلد  
وزیر دفاع آمریکا  
می گوید که  
مسأله ی عراق  
یک باتلاق نیست  
دعا می کنم که  
حق با او باشد  
اما مسائل عینی  
که در مقابل پل برمر  
حاکم با استعداد  
آمریکایی در عراق  
قرار گرفته است  
و گریبانگیر  
سربازان آمریکایی نیز  
شده است  
وحشت آور است**



به سهم خود سیمای کاملاً مخدوش شده‌ی دولت آمریکا را در کشورهای خارج ترمیم خواهد کرد. در عین حال، این خطر نیز در بین است که پنتاگون (وزارت دفاع) که تا هم اکنون از صلابت و امکاناتش تا حدی کاسته شده است، بکوشد با هزینه‌های اندک مسأله‌ی لیبریا را به نحوی از انحاء حل و فصل کند و حیثیت آمریکا را در معرض مخاطره قرار دهد؛ لیکن، وزارت دفاع از قدرت و نفوذ به حد کفایت برخوردار نیست. ما این فیلم را قبلاً هم دیده‌ایم که داستانش در سومالی اتفاق افتاد. ما اگر وارد لیبریا شویم، باید خود را آماده کنیم که رسالت خود را به درستی انجام دهیم.

من آدم خوش بینی هستم و به توان و قدرت هیأت حاکمه‌ی آمریکا برای بسیج کردن افکار عمومی جهان در راه خدمت به مردمسالاری، عدالت و صلح ایمان بسیار دارم.

با این همه، رهبری بدون برخورداری از منابع و امکانات امکان پذیر نیست. برای امن کردن مرزها، فایق آمدن بر تروریست‌ها، حفظ و حراست از مواد هسته‌ای، ایجاد نهادهای مردمسالارانه، به وجود آوردن نظام‌های آموزشی که در آن برای بردباری و تحمل افکار و عقاید سایرین ارزش و احترامی قائل شوند و کمک به کشورها برای آنکه پس از خاتمه‌ی جنگ‌ها بتوانند آسیب‌ها و ویرانه‌های خویش را ترمیم کنند، به پول نیاز است. بنابراین، من

زمانی که می‌بینم کسری بودجه‌ی دولت فدرال در مجموع در سال جاری و سال بعد به یک تریلیون دلار بالغ خواهد شد، چاره‌ای جز تعجب و سردرگمی ندارم. رئیس جمهور آمریکا درباره‌ی «خشک کردن باتلاقی» که در آن تروریست‌ها رشد و نمو می‌کنند، مبارزه با بیماری ایدز، تحکیم و اعتلای توسعه و پیشرفت در کشورهایی همچون افغانستان، عراق و لیبریا و اجرای تعهدها در قبال آن کشورها، وعده‌های بسیار داده است. آیا کاخ سفید و کنگره خواهند توانست به آن تعهدها و وعده‌ها وفا کنند، در حالی که افراد پلیس، مأموران آتش نشانی و معلمان مدارس، در داخل کشور به دلیل کاسته شدن از میزان بودجه‌ی کشور از کار برکنار می‌شوند؟ اگر ما وعده‌های رئیس جمهور را نادیده بگیریم و اجرای آنها را ضروری نبینیم، دیگر اعتبار ایالات متحده چه آسیبی بیش از این خواهد دید؟

دو سال قبل، آمریکا دارای سرمایه‌ی دیپلماتیک عظیمی بود که حسن نیتی که ما در سراسر جهان از آن بهره مند بودیم بنیاد آن را تشکیل می‌داد. علاوه بر آن، ایالات متحده از سرمایه‌ی مالی عظیمی نیز بهره مند بود که رهبری اقتصادی بین‌المللی شالوده‌ی آن محسوب می‌شد و سرانجام دارای مازاد بودجه‌ای بود که تا آن زمان سابقه نداشت. اکنون، انواع و اقسام سرمایه‌های ما تلف شده است

و به جای منابع و امکانات یا دوستان چیزی بر ایمان باقی نمانده است.

من به عنوان کسی که در مناصب مسئولیت‌داری به خدمت اشتغال داشته‌ام، می‌دانم که ابداع راه حل‌های عملی به مراتب دشوارتر از ارائه‌ی راه حل‌های تئوریک است. ماهیت جهان امروز مسئول بیشتر مسأله‌ی است که گریبانگیر ما شده است، نه وجود دولت بوش و اعمال و رفتارش. با این حال، من اگر تصور کنم که دولت در حال آموختن از تجربیات خویش در طول راه خود است کمتر دچار نگرانی خواهم شد. آموختن از تجربیات در این زمینه عبارت است از آموختن شیوه‌ی جلب حمایت گسترده‌تر بین‌المللی از سیاست‌های آمریکا، کاربرد بهتر ابزارهای دیپلماتیک که مورد غفلت قرار گرفته‌اند، در تقسیم مسئولیت‌ها دقت بیشتر داشتن در قبال حقایق، به پایان رساندن آنچه آغاز شده است و ابداع سیاست‌های اقتصادی هماهنگ با نقش جهانی آمریکا.

سریعترین راه برای دستیابی به یک سیاست مؤثرتر امنیت ملی اذعان داشتن به ضرورت اصلاح امور است. تا زمانی که چنین چیزی تحقق نیافته است، ما همچنان سیر قهقرایی خود را در مسیر رسیدن به زمینه‌ای خطرناکتر ادامه خواهیم داد. ▲

\*مادلین آلبرایت از سال ۱۹۹۷ تا سال ۲۰۰۱ وزیر خارجه‌ی آمریکا بوده است.

**دولت آمریکا  
هیچ تلاشی  
در جهت تقویت و  
تحکیم خویشنداری  
در تولید سلاح  
به عنوان  
یک ضابطه‌ی اخلاقی  
هنجاربخش  
به خرج نداده است  
ضابطه‌ای که  
همه‌ی کشورها  
به پیروی از آن  
علاقه مند باشند  
در عوض  
این دولت  
تصمیم گرفته است  
که در درجه‌ی اول  
از طریق ابزارها و  
تهدیدهای نظامی  
با تکثیر هسته‌ای  
به پیکار برخیزد  
آیا چنین پیکاری  
از این طریق  
کافی است؟**